

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: حمید بهشتی

۱۵ اپریل ۲۰۱۱

افشای معامله میان امریکا و عربستان سعودی

بر سر لیبیا و بحرین

شما نفوذتان را بر بحرین اعمال می کنید. ما قذافی را کنار می زنیم. به طور خلاصه، این است اصل معامله ای که میان دولت اوباما و آل سعود صورت گرفت. دو منبع دیپلماتیک در سازمان ملل، مستقل از یکدیگر تأیید کرده اند که واشنگتن توسط هیلاری کلینتون توافق خود را به عربستان سعودی برای ورود به بحرین و نابودی جنبش دموکراسی طلب در کشور همسایه در عوض تأیید اتحادیه عرب نسبت به کنترل ممنوعیت پرواز بر فراز لیبیا که مهمترین دلیل صدور بیانیه شماره ۱۹۷۳ سازمان ملل بود، اعلان نموده است.

ورود نیروهای عربستان سعودی به بحرین

افشاء مزبور از جانب دو دیپلمات صورت گرفت. یکی از آنها اروپائی و دیگری عضو گروه BRIC (برزیل، روسیه، هندوستان، چین) می باشد که مستقل از یکدیگر به اطلاع یکی از کارشناسان امریکائی و سایت اینترنتی آسیا تایمز آنلاین رسید. بر طبق رسوم دیپلماتیک نام این دو تن باید مخفی بماند.

ما به همین دلیل نمی توانستیم از بیانیه ۱۹۷۳ سازمان ملل حمایت کنیم. استدلال ما این بود که لیبیا، بحرین و یمن موارد شبیه یکدیگر بوده و خواهان تشکیل کمیسیون کارشناسی برای بررسی موضوع گشتیم. ما بر موضع رسمی خویش باقی ماندیم که بیانیه مزبور به اندازه کافی روشن بوده و می تواند برای دخالت جنگی تبیین گردد.

چنانکه سایت اینترنتی آسیا تایمز گزارش می کند، توافق اتحادیه عرب با محدوده ممنوعیت پرواز داستانسرائی است. از ۲۲ کشور عضو اتحادیه عرب فقط ۱۱ کشور به هنگام رأی گیری حضور داشته اند. ۶ تای آنها عضو شورای همکاری خلیج (GCC) بوده اند که متشکل از سلطان نشینان مورد حمایت امریکا در خلیج فارس بوده و

سردسته آنها عربستان سعودی است. سوریه و الجزائر مخالف بوده اند. لذا عربستان سعودی برای به دست آوردن تأییدیه مزبور لازم داشته فقط توافق سه عضو دیگر را جلب نماید. ترجمه: فقط نه تا از ۲۲ عضو اتحادیه عرب با برقراری محدوده پرواز توافق نمودند. رأی گیری به طور عمده عملیاتی بود که توسط آل سعود صورت گرفت و طی آن امر موسی، دبیر کل اتحادیه عرب برای درخشان نمودن زندگینامه خویش به قصد دستیابی به ریاست جمهوری مصر کوشش نمود. لذا آنچه در آغاز قیام اعراب سال ۲۰۱۱ بود لاجرم به عملیات ضد انقلابی امریکا و عربستان سعودی منجر گشت.

تمجید سوداگران

امپریالیست های انساندوست با قصد و بسیار از تحریف وقایع استفاده کرده، می گویند توطئه ای در کار است، همانگونه که آنها با تحریف واقعیات ادعا می کنند که بمباران لیبیا از کشتار وسیع مردم جلوگیری می نماید. آنها برای حمایت از عربستان سعودی خواهند گفت که این کار برای جلوگیری از تعرض ایران در خلیج فارس می باشد. ظاهراً مسئولیت آنها در حمایت از انسانها شامل بحرین نیست. آنها از لیبیا پس از قذافی به عنوان مگه حقوق بشر نفتی تمجید خواهند نمود، به انضمام مجموعه خدماتی، شامل بر حاکم دست نشاندۀ سازمان جاسوسی امریکا، عملیات پشت پرده، کماندوهای ویژه و طرف معامله های مرموز.

آنها هر چه را هم که بگویند در واقعیات موجود و در معامله نمایشی میان امریکا و عربستان سعودی تغییری نخواهد داد. در سایت اینترنتی آسیا تایمز گزارشی در این زمینه هست که چه کسانی از حمله به لیبیا کسب منفعت می کنند. بازیگران این نمایش وزارت جنگ امریکا (به واسطه Africom)، پیمان ناتو، عربستان سعودی، موسی از اتحادیه عرب و قطر می باشند. به این ها باید سلسله خاندان الخلیفه در بحرین، تولید کنندگان جنگ افزار و سوداگران مظنونی را که همه چیز- از جمله آب آشامیدنی - را خصوصی می کنند، افزود. البته در این فهرست هنوز کرگس های غربی که بر فراز نفت و گاز لیبیا در پروازند به حساب نیامده اند.

نقاشی با کرگس ها بر فراز لیبیا

در این بین بیش از همه ریاکاری دولت اوباما افشاء گشته است که یک حمله ناگهانی را در شمال آفریقا و خلیج فارس ترتیب داده و آن را به ظاهر، عملیات انساندوستانه ای معرفی می کند. اینکه چگونه حمله اخیر امریکا به یک ملت مسلمان دیگر صورت می گیرد، می توان گفت عملیاتی است که استعداد وقوع دارد.

گمان زنی های شدیدی، هم در امریکا و هم در تمامی خاورمیانه هست که واشنگتن، لندن و پاریس با توجه به وضعیت آچمزی که در لیبیا به لحاظ نظامی به وجود آمده است، بر سر به دست گرفتن کنترل بر شرق لیبیا به توافق رسیده اند که به گونه ای شباهت به امارت نفتی ثروتمندی در شمال آفریقا خواهد داشت و سهم قذافی در این میان تریبولی فقیری نظیر کره شمالی خواهد بود.

اما با توجه به صاحب منصبان بر جسته ای که تغییر جبهه داده اند و نیز با توجه به سخن اخیر اوباما مبنی بر این که قذافی باید برود، دیگر نباید واشنگتن، لندن، پاریس و ریاض به لقمه کوچکتري از تمامی کباب قناعت نمایند که به آن ایجاد پایگاه ستراتیژیک مهمی برای ناتو و آفریکم افزوده خواهد گشت.

مشکوک های همیشگی

یکی از آثار جنبی معامله کثیف میان امریکا و عربستان سعودی این است که کاخ سفید همه آنچه را در توان خود دارد فروگذار نخواهد کرد تا اینکه سرگذشت تلخ بحرین در رسانه های امریکا به فراموشی سپرده شود. گوینده اخبار بی بی سی امریکا، "کاتی کی" دستکم اینقدر صداقت داشت که بگوید:

"آنها مایلند که این (بحرین) سپری گردد، زیرا واقعا حمایت از تعرض شیعیان فایده ای برای آنها در بر ندارد".
امیر قطر، شیخ حامد بن خلیفه الثاني سهم خود را ایفا نموده، در الجزیره ظاهر شد و گفت که اقداماتی لازم شده بودند، زیرا توسط قذافی به انسانهای لیبیائی حمله می شد. خبرنگاران الجزیره که معمولا بسیار حرفه ای کار خود را انجام می دهند، می توانستند از او بپرسند آیا وی حاضر هست که هواپیماهای میراثش را برای کمک به فلسطینیان در مقابل اسرائیل یا حمایت از بحرین در مقابل عربستان سعودی ارسال نماید.

سلسله خاندان الخلیفه در بحرین در اصل، مثنی از کوچ کردگان اهل سنت هستند که حدود ۲۳۰ سال پیش قدرت را به دست گرفتند. بیشترین دوران قرن بیستم آنها بندگان مطیع امپراتوری انگلستان بودند. بحرین مدرن با کابوسی که آغشته به تعرض ایران باشد زندگی نمی کند و این داستانسرائی الخلیفه (و خاندان ابن سعود) است.

بحرینی ها به لحاظ تاریخی همواره مخالف این بوده اند که بخشی از ملت شیعی باشند که تحت رهبری ایران است. اعتراضات آنها راهی طولانی را پیموده و بخشی از یک جنبش اصیل ملی می باشد که بسیار نیز با فرقه گرائی فاصله دارد. بی جهت نیست که شعار تظاهر کنندگانی که توسط حکومت پولیسی وحشت زده الخلیفه سرکوب گشت چنین بود: "نه سنی، نه شیعی، بلکه بحرینی"

تصویر شعار دهندگان

آنچه خواست تظاهر کنندگان بود، در اصل سلطنت مشروطه بود، با مشروعیت پارلمانی، با انتخابات آزاد و منصفانه و تهی از فساد. اما آنچه به جای آن نصیبشان شد، بحرینی بود با صمیمیت گلوله باران که جای بحرینی صمیمی برای تجارت را گرفت و تعرضی نظامی که با سرمایه ابن سعود تأمین گشت.

و فشار و سرکوب ادامه دارد - و از دید رسانه های امریکا نیز به دور است. کاربران تویتر فریاد بر می آورند که آنها و همسایگانشان دستگیر می شوند. به گفته نبیل رجب، رئیس مرکز حقوق بشر بحرین، بیش از ۴۰۰ تن یا مفقود و یا زندانی گشته اند. برخی از آنها در پست های کنترلی که یا توسط چماق به دستان یا نفراتی که از سایر ممالک عربی و آسیائی آورده اند، متوقف و دستگیر شده اند. کنترل کنندگان نقاب های سیاه بر چهره دارند. از جمله بلاگ نویسی به نام محمود الیوسف دستگیر گشته و بیم آن می رود که این سرنوشت هر بحرینی دیگر نیز باشد که بلاگ نویس بوده، یا در تویتر یا فیس بوک اخباری را به حمایت از اصلاح طلبان بگذارد.

حضور پلیس جهانی Globocop

عملیات مجاز از جانب سازمان ملل، موسوم به Odyssey Down سپری شده است. حال دیگر اتحادیه محافظین حضور دارند و توسط یک کانادائی به نام چارلز بوخارد رهبری می شوند. ترجمه: وزارت دفاع امریکا (Africom=) عملیاتی را که استعداد وقوع دارند به خود واگذار می کند (= ناتو که چیز دیگری به جز حاکمیت وزارت دفاع امریکا بر اروپا نیست). حال دیگر آفریکم و ناتو با هم یکی هستند.

نمایش ناتو شامل بر حملات هوایی و توسط موشک، محاصره دریائی لیبیا و عملیات ناروشن و تعریف نشده ای می باشند که برای حمایت از قیام کنندگان صورت می گیرد. انتظار وقوع حملات هوایی توسط هلیکوپترهای نظامی، مانند افغانستان- پاکستان و خسارات جنبی ناشی از آنها نیز می رود.

اکنون تحولات شگفت آوری را می توان مشاهده نمود. ناتو به عمد می گذارد که نیروهای حامی قذافی در راستای ساحل دریای مدیترانه پیشروی کرده و شورشیان را پس برانند و مدت زیادیست که دیگر از بمب افکن ها استفاده نشده، عملیات هوایی ضربتی صورت نمی گیرند.

احتمالا هدف آنها این است که از جانب فراریان و شورای موقت ملی (INC) که آلوده به لیبیائی های مهاجر می باشد مزایای سیاسی و اقتصادی دریافت نمایند. مشتی از این افراد عبارتند از وزیر اسبق دادگستری مصطفی عبدالجلیل، محمد جبریل که تحصیل کرده امریکا است و خلیفه هیفتر که فرمانده نیروهای شورشی و سابقا مقیم ایالت ویرجینیا بوده، عامل سازمان سیا می باشد. تمامی جنبش اصیل و ارزشمند جوانان ۱۷ فبروری که در رأس قیام بنغازی قرار داشت به کناری زده شده است.

این اولین جنگ ناتو در افریقا است، همانگونه که افغانستان اولین جنگ ناتو در آسیای مرکزی و جنوبی است. در این بین ناتو که نقش پولیس جهانی سازمان ملل را بر عهده دارد، در حال پیاده کردن طرحی است که در دیدار رهبران کشورهای ناتو در لیسابون در نومبر گذشته به تصویب رسید. (اطلاعات بیشتر در این باره در مقاله ناتوستان در سایت اینترنتی آسیا تایمز، مؤرخ نوامبر ۲۰۱۰)

لیبیا تحت حاکمیت قذافی باید برکنار شود تا دریای مدیترانه که در عهد عتیق رومیان بدان دریای ما می گفتند تبدیل به دریای ناتو گردد. لیبیا تنها کشوریست در شمال افریقا که زیر فرمان آفریکم و سنتکم Centcom و یا یکی از پیمانهای همکاری با ناتو قرار ندارد. سایر کشورهای افریقا که در ارتباط با ناتو قرار ندارند عبارتند از اریتره، سودان، و زیمبابوه.

علاوه بر این، دو کشور عضو پیمان همکاری استانبول که به ناتو مربوط است - قطر و امارات متحده عربی - به گونه آموزشی در کنار آفریکم/ناتو به جنگ وارد شده اند. ترجمه: پیمان ناتو و متحدینش در خلیج فارس در افریقا می جنگند. حال آیا به اروپا محدود گردد؟ این بسیار روستا منشی است. راهی که باید رفت راه پولیس جهانی است. مطابق ریاکاری رسمی دولت اوپاما، دیکتاتورهای که مناسب ارتباط با امریکا می باشند - مانند دیکتاتورهای بحرین و یمن - می توانند به راحتی هر کاری را که دلشان می خواهد انجام دهند و آنهایی که از افریقا گرفته تا خاورمیانه مناسب برای تحول رژیم هستند، باید مواظب خود باشند، زیرا: پولیس جهانی که ناتو باشد در راه است تا به حسابشان برسد، چه با معاملات کثیف باشد و چه بدون آن!

<http://www.tlaxcala-int.org/article.asp?reference=۴۵۱۵>

برگرفته از تلاکسکالا - ۶ اپریل ۲۰۱۱